

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آذرخش

۰۱.۰۵.۰۹

اول می یا روزبین المللی همبستگی کارگران جهان

واکنش در برابر اول می گوناگون است. درحالیکه نیروهای صادق انقلابی در کشورهای پیشرفته صنعتی جهان اینجا و آنجا ، با قبول سرکوب توسط پولیس تا به دندان مسلح بورژوازی ، دست به تظاهرات می زنند و خلاف اتهام بیشرمانه مقامات که آنها را «بی بند و بار» و «خرابکار» وانمود می نمایند ، این خود تظاهرکنندگان اند که اکثراً قربانی تحریکات پولیس شده و با اندک مقاومت و یادفاع از خود ، به وحشی ترین شکل مورد حمله و لت و کوب و بازداشت قرار می گیرند. گمان می رود که بعضاً مقامات خود عناصر خرابکار را با نمای تظاهرکننده در تظاهرات نفوذ داده و آن مهره های پوششی با تقلید از احساسات و شعارهای تظاهرکنندگان (آنها را که مقامات ، «چپ افراطی» می نامند) ، در نقاط معینی از شهر دست به شکستادن و تخریب دارائی های عامه می زنند و تظاهرکنندگان دیگر را به دنبال خود می کشانند. البته این فرضیه خشم به حق تظاهرکنندگان و حمله توسط آنها بر نمادهای نظام سود و سرمایه را نفی نمی نماید.

ولی ریفورمیست ها که اکثر اوقات در چوکات احزاب سوسیال - دموکرات و سندیکاهای فرمایشی کشورهای اروپائی فعالیت دارند ، درین روز با قرائت مقالات و ابراز احساسات «انقلابی» که فقط محدود به همان لحظه است همراه با کف زدن ها و چند شعار دقیقاً محاسبه شده که رژیم بورژوا را تخریب ننماید ، در مقابل چند تن انگشت شمار در نقطه ای از شهروبا در تالاری ، مقدم اول می را گویا گرامی میدارند و با فروش دسته هائی از گل سوسن گویا تعهد همبستگی خود با کارگران جهان را تجدید می نمایند...

البته در شهرهای بزرگ صنعتی مانند پاریس ، برلین ، لندن و غیره ، تظاهرات از نگاه کمی به مراتب بزرگ بوده و تمایلات مختلف سیاسی چپ را احتوا می نماید. اما آنچه را مقامات دولتی و پولیسی نظام حاکم «هسته سخت» چپ می نامند و با آسانی برچسب «تروریست» را بر آن می زنند ، آماج اصلی خصومت و سرکوب است زیرا با وجود عدم تناسب کمی با «چپ رسمی» ، بیشترین ترس و لرزه را بر اندام مقامات می اندازد. نمونه بارز آنرا در پایتخت کشور یونان می توان مشاهده کرد که مرکب از محصلین و استادان پوهنتون می باشد و از ماهها باینطرف خواب راحت را بر مقامات دولتی (فراموش نباید کرد که یونان عضو اتحادیه اروپا و از هم پیمانان «ناتو» است) حرام ساخته است ؛ و مسلم است که به همان پیمان سرکوب شدید را هم متحمل می شوند.

برخورد فابریکه داران غربی هم در برابر اول می متفاوت است. از پذیرش تجلیل آرام از اول می (با احترام و امتنان از کارفرما) گرفته تا مرخصی کامل یا نیمه مرخصی کارگران ، گذاشتن انتخاب کاریا مرخصی به خود کاگر اما وضع کردن آن مرخصی از روزهای مرخصی سالانه و قانونی کارگر (بادرج خفیه برداشت منفی از برخورد آن فرد که می تواند خطر بیکار ساختنش را به همراه داشته باشد) ، حساسیت منفی آشکار در برابر اول می جهت تخویف کارگران و یاهم ، سکوت و اغماض کامل اول می. در هر حال برای کتمان ریشه و تاریخچه اول می ، مقامات دولتی ، فابریکه داران و دیگر کارفرمایان ، اول می را «جشن کار» نامیده اند و قسمی حالی می سازند که ولو تجلیل «قانونی» از اول می صورت بگیرد ، فقط بایست آنرا یک جشن خورد و نوش همگانی و فرصت تفنن دانست و بهیچوجه نباید جنبه سیاسی آنرا بر ملا ساخت و یا از آن بدفاع برخاست.

تلاش های مذبحخانه حاکمیت بورژوا و حکومت مرتجع همدست آن در ممالک عقب نگهداشته شده هرچه باشد ، بحران سرمایه داری و موج روزافزون بیکاران در نقاط مختلف جهان ، هرروز و هر ساعت ، افراد بیدار و کنجکاو را به تجسس علمی و روشنفکرانه وا می دارد. نمونه های آنرا متعاقب رویداد «سب پرایم» در امریکا ، در حلقات محصلی اروپائی می توان مشاهده کرد که بیکبارگی علاقه و تمایل به آثار مارکس در آنها زنده شده و حتی استادان پوهنتون ها جهت تحلیل ، ارزیابی و نتیجه گیری تازه از افکار اقتصادی مارکس ، درس خاص برای محصلین آماده می کنند.

نظام های حاکم در ممالک پیشرفته صنعتی جهان با تبلیغ «کهنه و تاریخزده بودن» علم انقلاب (در حالیکه دُگم مذهبی را مطابق عصر و زمان جلوه می دهند و یا هم برایش سکوت می نمایند!) ، مسخ آن به کمک جریانات ریفورمیستی و احزاب و سازمانهای انقلابی نما ، پیگرد و تعقیب عناصر انقلابی ، سرکوب آشکار و پنهان و صداها حرکت مذبحخانه و غیر انسانی ، تلاش می ورزند تا سیر حرکت پیشرونده تاریخ بشریت را به زعم خود سد شوند ولی فشار برتوده ها و استثمار بیرحمانه آنها و همچنان قلع و قمع آشکار و پنهان انقلابیون (بیشتر در ممالک زیر یوغ امپریالیزم) به هر شکلی که باشد ، بمثابة فشار جیولوژیکی بزرگ شونده است که در فرصت معین زمین لرزه های پیهم و مدهش را به بار آورده و از نقطه ای به بیرون فوران خواهد نمود و قله های شامخ ثبوت پیروزی مبارزات انقلابی را برای نسل های آینده بشریت (همانگونه که نمونه های آن در قرن بیست ثبت تاریخ شد) به یادگار خواهد گذاشت.

به امید چنان انقلاب آینده ساز اجتماعی!